

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

یانتہ پیرامی

۰۶ فبروری ۲۰۲۰

اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان مذهبی

نگاهی دقیق‌تر از درون

گروگان‌گیری ۶۶ نفر از کارمندان سفارت امریکا در ایران

سه شنبه ۲۱ آبان [عقرب] ۱۳۹۸ برابر با ۱۲ نومبر ۲۰۱۹



مردی در حال عبور از کنار دیوار سفارت سابق امریکا در تهران - ۲ نومبر ۲۰۱۹

روز ۱۲ آبان [عقرب] سال ۱۳۵۸ به برخی از دانشجویان انجمن‌های اسلامی گفته شد که روز بعد، ساعت ۷ صبح در سالون کمیته فیلم دانشگاه پلی‌تکنیک جمع شوند. ۱۲۰ نفر که ۱۱ تن از آنان دختر بودند گرد هم آمدند. محسن میردامادی روی تخته‌ای نقشه سفارت امریکا در تهران را ترسیم کرد و گفت قرار است این محل را بگیریم. همه دانشجویان که از انجمن‌های اسلامی بودند شوکه شدند و شروع کردند به پرسش کردن. آیا چنین چیزی ممکن است؟ آیا معقول است؟ مشکلی پیدا نمی‌شود؟ واکنش دولت چیست؟

میردامادی در توجیه دانشجویان گفت: «خود امام در پیام روز دانش‌آموز گفتند که حرکت‌های ضد امریکائی را بیشتر کنیم، ما هنوز به ایشان نگفتیم و حدس می‌زنیم ایشان حمایت کنند، امریکا کارهایی علیه ما انجام داده، شاه هم که به امریکا رفته، ما یکسری اسناد به دست می‌آوریم و احتمالاً دولت بازرگان سقوط می‌کند... محافظان سفارت، تفتگذارهای امریکائی هستند که حمله نمی‌کنند، چون اگر حمله کنند و ما کشته بشویم برای آنها بد می‌شود...» قرار بود این حرکت یک یا دو روز بیشتر طول بکشد. ولی گروگان‌گیری ۶۶ نفر از کارمندان سفارت، که بعداً به ۵۲ نفر کاهش یافت، ۴۴۴

روز طول کشید و سرانجام آنان در روز تحلیف رونالد ریگان آزاد شدند. این واقعه آینده سیاسی ایران را به شدت تحت تأثیر قرارداد که پیامدهای آن تا امروز نیز قابل مشاهده است.

در روز ۱۳ آبان [عقرب] چه گذشت؟

دانشجویان مذهبی قبلاً توسط اتوبوس‌های دوطبقه نقشه دقیقی از ساختمان داشتند. به دختران چادری گفته بودند که زیر چادر با خود چوب حمل کنند که در صورت حمله از خود دفاع کنند. دانشجویان پیرو خط امام در سالگرد روز دانش آموز پلاکاردهائی از خمینی در دست داشتند که تا آن زمان چاپ نشده بود و به عنوان تظاهرکننده به سوی سفارت راهی شدند. دانشجویان تندرو دانشگاه پلی‌تکنیک مسؤول اسناد، دانشجویان رادیکال دانشگاه صنعتی وظیفه کنترل گروگان‌ها و مسؤول عملیات بودند و دانشجویان مذهبی دانشگاه تهران وظیفه امور داخلی سفارت را داشتند. دانشجویان آن دوره بسیار تشکیلاتی عمل می‌کردند که این هم از خواص مبارزه طولانی با ساواک بود که آن‌ها با سازماندهی دقیقی عمل می‌کردند.

دانشجویان رادیکال دانشگاه صنعتی وارد ساختمان کاردار شدند. تسخیر ساختمان اصلی حدود دو ساعت طول کشید. تا آن ساعت امریکائی‌ها یکسری از اسناد را از بین برده بودند و با دستگاه ویژه‌ای آن‌ها را رشته رشته کردند. حافظه کامپیوترها را پاک کردند. وقتی دانشجویان وارد شدند در داخل راهروها امریکائی‌ها گاز اشک آور زده بودند، ولی ساختمان به قدری خوب طراحی شده بود که وقتی وارد اتاق‌ها می‌شدند و در را می‌بستند کوچکترین نفوذی از گاز اشک آور درکار نبود. آنان به دنبال میکروفن‌ها بودند. سرانجام توانستند گروگان‌ها را با چشم‌پند در مقابل دوربین‌های تلویزیون، از ساختمان خارج کنند.

نقش انجمن‌های اسلامی

انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران، علم و صنعت و صنعتی یکسال قبل از انقلاب ۵۷ شکل گرفته بود. تنها مسؤولان کمیته‌های ۱۵ گانه انجمن اسلامی بودند که از موضوع اشغال سفارت چند روز قبل خبر داشتند. محسن میردامادی از دانشگاه پلی‌تکنیک با دانشگاه‌های دیگر در ارتباط بود. مسؤولان انجمن اسلامی چهار دانشگاه صنعتی (ابراهیم اصغرزاده)، تهران (حبیب‌الله بی طرف)، دانشگاه ملی (رحیم باطنی) و پلی‌تکنیک (محسن میردامادی) با هم جلسه‌ای داشتند. این افراد به علاوه رضا سیف‌اللهی از دانشگاه صنعتی کمیته مرکزی سفارت را تشکیل دادند. معصومه ابتکار هم به خاطر تسلط به زبان انگلیسی، سخنگوی دانشجویان خط امام با رسانه‌ها بود. در زمان تسخیر سفارت میان دانشجویان صنعتی اختلاف افتاد و برخی از آنها سفارت را ترک کردند. اما مشخص نیست که اختلاف بر سر چه بود.

ریشه یابی: حافظه تاریخی کودتای ۲۸ مرداد [اسد] و کاپیتولاسیون

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که نه خمینی و نه هیأت دولت هیچ‌کدام از چنین حرکتی با خبر نبودند. محمد خوئی‌ها معتقد بود که بهتر است بعد از اشغال سفارت خمینی را در جریان بگذارند، چه مطمئن نبودند که خمینی از این حرکت دفاع می‌کند. ریشه این واقعه را باید از درجه روابط ایران و آمریکا در چند دهه قبل بررسی کرد. سال ۱۳۴۲ موضوع کاپیتولاسیون، به معنای مصونیت امریکائی‌ها از شمول قوانین کشور در صورت ارتکاب جرم در ایران مطرح شد. در همین سال مصونیت قضائی به اتباع امریکائی به صورت یک لایحه قانونی در هیأت دولت تصویب شد. در آن زمان در ایران بیش از ۵۵ هزار امریکائی زندگی می‌کرد.

موج اعتراض در جامعه و سخنرانی‌های تند خمینی به کاپیتولاسیون شکل گرفت. دومین حادثه تاریخی به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سقوط دولت ملی مصدق و بازگشت شاه به ایران بر می‌گردد. هر چند پیشنهاد کودتا متعلق به بریتانیا بود ولی سازماندهی و عملی سازی آن توسط سازمان "سیا" صورت گرفت. هر دو حادثه حافظه تاریخی و نوعی تحقیر را در حافظه جمعی ایرانیان شکل داد. این کودتا و سرکوب‌های پس از آن، برای انقلابیون سال ۵۷ این موضوع را تداعی می‌کرد که امکان بازگشت شاه به ایران توسط امریکائی‌ها وجود دارد.

انقلاب ۵۷ زمانی رخ داد که در سطح جهان حرکت‌های ضدامپریالیستی و ضد امریکائی در اوج خود بود. در بسیاری از کشورهای امریکای لاتین، جنبش‌های چریکی حکومت‌های سوسیالیستی و طرفدار شوروی را بر سرپر قدرت آورده بود. گروه‌های چپ، حزب توده، چریک‌های فدائی خلق، سازمان مجاهدین خلق و دانشجویان رادیکال مذهبی هر کدام سعی می‌کردند که گوی سبقت را در امریکاستیزی در این جو جهانی، در منطقه و در ایران، از هم برابند.

ریشه یابی: مسابقه امریکاستیزی

حمله به سفارت خارجی برای اولین بار در ایران به ۱۲۰۶ به‌خاطر عهدنامه ترکمنچای بین ایران و روسیه بر می‌گردد. به سفارت روسیه در این سال در تهران حمله شد و همه اعضای این سفارت را به همراه سفیر جدید این کشور سربردند. دومین واقعه ۱۵۱ سال بعد در ۲۵ بهمن [دلو] ۵۷ رخ داد.

برخی از هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق بدون آن که کمیته مرکزی این سازمان از آن باخبر باشند، قصد اشغال سفارت را داشتند و گویا از دیوار هم بالا می‌روند ولی به صحن سفارت نمی‌روند. ویلیام سالیوان سفیر وقت امریکا به تنگدaran گفته بود تنها برای حفظ جان خود شلیک کنند. دو ساعت بعد این غائله با دخالت دولت موقت پایان یافت. اما این واقعه سروصدای زیادی در آن روزها کرد. دانشجویان رادیکال مذهبی تصور می‌کردند که از جریان امریکاستیزی عقب افتاده‌اند. همه این گروه از چپ و مذهبی دولت بازرگان را متهم به نزدیکی به امریکا می‌کردند.

پذیرش شاه به‌خاطر درمان سرطان در امریکا در زمان کارتر مورد دیگری بود که موجب نگرانی این گروه‌ها و امکان بازگشت او بود. بنابراین اشغال سفارت هر چند که در ابتداء به‌صورت نمادین شکل گرفت ولی می‌توانست بسیاری از خواست‌های دانشجویان، از جمله سقوط دولت بازرگان، دست یابی به اسناد سفارت و کنار زدن سازمان مجاهدین خلق و کمونیست‌ها را به تحقق برساند.

تأثیرات سیاسی اشغال سفارت

گرفتن سفارت‌خانه‌ها به‌صورت کوتاه در آن دوران چیز غیر متعارفی نبود ولی آنچه اشغال سفارت امریکا را متمایز می‌کرد، اولاً طولانی شدن آن و دوم انتقال یک حرکت خودجوش به حمایت از یک دولت بود. خمینی در ابتداء از اشغال سفارت بی‌خبر بود ولی پس از اطلاع بر موج این امریکاستیزی سوار شد و توانست ابتداء نیروهای ملی - مذهبی را کنار بزند و بعد چپ‌ها، کمونیست‌ها و مذهبی‌های غیرخودی را در دهه ۶۰ به سلاخ‌خانه ببرد. این واقعه باعث تضعیف و انزوای ایران در سطح بین‌المللی شد.

قطع کامل روابط سیاسی با امریکا در ۲۰ مهر [میزان] اتفاق افتاد. برخی از کشورهای غربی علناً در مقابل ایران موضع گرفتند. اولین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی اعمال شد. ۱۲ میلیارد دارائی‌های ایران در امریکا بلوکه شد. منصور فرهنگ اولین نماینده ایران در ملل متحد معتقد است این واقعه نه تنها موجب انزوای ایران بلکه بعدها زمینه‌های پدید آوردن جنگ ایران و عراق را نیز فراهم کرد. سرانجام در ۲۹ دی ماه [جدی] ۵۹ مذاکراتی در الجزایر

برای آزادی گروگان‌ها صورت گرفت. از یک سو یزدی و بازرگان و از سوی دیگر زیگنیو برژینسکی و تیمش. در این کنفرانس مذاکره کننده اصلی از سوی ایران چمران بود، ولی چون قرار است چمران منزله جلوه داده شود، نامش از مذاکرات در تاریخ سیاسی ایران حذف شد.

تأثیر این واقعه بر زندگی ایرانیان در امریکا

زندگی برای ایرانیانی که سال‌ها در امریکا زندگانی می‌کردند بسیار دشوار شده بود. مردم امریکا در بیش از یکسال، تبلیغات ضد ایرانی را در رسانه‌ها می‌دیدند. استفان کینزر روزنامه نگار معتقد است که ماجرای گروگانگیری وسیله‌ای برای تحقیر امریکائی‌ها شد که این کشور هرگز نتوانست انتقام آن‌را بگیرد. کودکانی که این تبلیغات را می‌دیدند دیگر حاضر نبودند در منزل فارسی صحبت کنند.

پروانه لیمبرت همسر یکی از گروگان‌ها، که در آن زمان در عربستان زندگی می‌کرد می‌گوید: «چند بار برای دیدن فامیل پدری بچه‌ها به امریکا رفتیم ولی وقتی بچه‌ها را بیرون می‌بردم چون قیافه ایرانی داشتند، مردم عصبانی بودند و حتی گاهی به بچه‌هایم توهین می‌کردند.» با این که چهار دهه از گروگانگیری می‌گذرد چهره ایران هرگز به‌طور کامل در امریکا ترمیم نشد و رابطه این دو کشور هرگز به حالت عادی بازنگشت.

منابع:

تاریخ ایرانی ۱۹۹۹، خاطرات جان گریوز

مصاحبه با لعیا پورانصاری و محمد مصلحی: ناگفته‌های تسخیر سفارت امریکا

ریشه‌یابی گروگان‌گیری: ژتون معامله با امریکا یا برگه بیمه انقلاب از تاریخ ایرانی